Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 5, Issue 5, 2026

Media Representation of Violent Crimes and the Formation of Populist Punitiveness in Iran's Criminal Policy

Mohammad Javad Rahimi [1], Amir Paknahad [2*], Mehdi Houshyar [3]

1. Department of Criminal Law and Criminology, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
2. Department of Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran. (Corresponding Author)
3. Department of Law, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:Original Research
Pages: 311-322

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0003-3590-0562*
TELL: *+989177004128*
Email: *paknahad@iaushiraz.ac.ir*

Article history:
Received: *04 Oct 2025*
Revised: *22 Oct 2025*
Accepted: *22 Nov 2025*
Published online: *20 Feb 2026*

Keywords:
Media Representation, Violent Crimes, Penal Populism, Criminal Policy, Harsher Punishments.

ABSTRACT

The present study examines the media representation of violent crimes and its role in shaping populist punitiveness in Iran's criminal policy. How does the media representation of violent crimes contribute to the emergence of penal populism in Iran? The findings indicate that the media emphasis on criminal incidents and the intensification of public concerns can pave the way for policies based on harsher punishments, expedited judicial proceedings, and restrictions on certain procedural safeguards, reflecting a tendency towards penal populism. The dominance of penal populism may lead to emotionally driven responses prevailing over expert assessments, potentially conflicting with the principles of legality, proportionality of punishment, presumption of innocence, and fair trial. Consequently, effective criminal policy requires a balance between ensuring public security, responsible reporting, and respecting individuals' fundamental rights. In this regard, the proposed Bill on Increasing Penalties for Crimes Disrupting the Psychological Security of Society (2008), the Bill on Intensifying the Fight against Violent Crimes (2011), and Circular No. 1016/78/1, dated 29 April 1999, are examined as examples of penal responses to violent crimes. Nevertheless, through highlighting criminal incidents, influencing public perceptions of insecurity, and shaping social demands, the media representation of violent crimes can play a significant role in the emergence and expansion of populist punitiveness in criminal policy. The research adopts a descriptive-analytical method based on a review of library sources and legal documents.

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Rahimi, M. J; Paknahad, A & Houshyar, M (2026). "Media Representation of Violent Crimes and the Formation of Populist Punitiveness in Iran's Criminal Policy". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(5): 311-322.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir
دوره پنجم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۴

بازنمایی رسانه‌ای جرائم خشونت‌بار و شکل‌گیری کیفرگرایی عوام‌گرا در سیاست جنایی ایران

محمدجواد رحیمی [۱]، امیر پاک نهاد [۲*]، مهدی هوشیار [۳]

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۲. گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۳۲۲-۳۱۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۵۹۰-۰۵۶۲
تلفن: ۹۸۹۱۷۷۰۰۴۱۲۸+
ایمیل: paknahad@iaushiraz.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

بازنمایی رسانه‌ای، جرائم خشونت‌بار، عوام‌گرایی کیفری، سیاست جنایی، تشدید مجازات.

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی بازنمایی جرائم خشونت‌بار و نقش آن در شکل‌گیری کیفرگرایی عوام‌گرا در سیاست جنایی ایران است. بازنمایی رسانه‌ای جرائم خشونت‌بار از چه طریقی منجر به شکل‌گیری عوام‌گرایی کیفری در ایران می‌شود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برجسته‌سازی رسانه‌ای جرائم و تشدید نگرانی‌های عمومی می‌تواند زمینه طرح سیاست‌هایی مبتنی بر تشدید مجازات، تسریع در رسیدگی و محدودسازی برخی تضمین‌های دادرسی را فراهم سازد که نشانگر تمایل به عوام‌گرایی کیفری است. با حاکم شدن عوام‌گرایی کیفری، غلبه واکنش‌های هیجانی بر ارزیابی‌های کارشناسی ممکن است با اصول قانون‌مداری، تناسب مجازات، اصل برائت و دادرسی عادلانه تعارض پیدا کند. در نتیجه، اتخاذ سیاست جنایی مؤثر مستلزم توازن میان تأمین امنیت عمومی، اطلاع‌رسانی مسؤولانه و رعایت حقوق بنیادین اشخاص است. در این راستا، طرح تشدید مجازات جرائم اخلال در امنیت روانی جامعه مصوب پیشنهادی سال ۱۳۸۷، طرح تشدید مبارزه با جرائم خشونت‌بار سال ۱۳۹۰ و بخشنامه شماره ۱۰۱۶/۷۸/۱ مورخ ۱۳۷۸/۲/۹ به‌عنوان نمونه‌هایی از واکنش‌های کیفری مرتبط با جرائم خشونت‌بار بررسی شده‌اند. با این حال بازنمایی رسانه‌ای جرائم خشونت‌بار، از طریق برجسته‌سازی حوادث جنایی، تأثیرگذاری بر ادراک عمومی از ناامنی و شکل‌دهی به مطالبات اجتماعی، می‌تواند در شکل‌گیری و گسترش کیفرگرایی عوام‌گرا در سیاست جنایی نقش مؤثری ایفا کند. روش پژوهش، توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر بررسی منابع کتابخانه‌ای و اسناد حقوقی است.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

انتشار اخبار مربوط به قتل، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، آدم‌ربایی و سایر رفتارهای خشونت‌آمیز، علاوه بر اطلاع‌رسانی درباره وقوع جرم، می‌تواند بر احساس امنیت شهروندان، ارزیابی آنان از میزان شیوع جرائم و انتظاراتشان از نهادهای مسؤول و در نهایت نوع رسیدگی به جرائم تأثیر بگذارد. از این منظر، رسانه‌ها صرفا ابزارهایی برای انتقال واقعیت‌های مجرمانه نیستند، بلکه از طریق انتخاب اخبار، نحوه روایت حوادث، میزان برجسته‌سازی برخی وقایع و چگونگی ارائه اطلاعات، در شکل‌گیری برداشت عمومی از جرم و عدالت کیفری نیز نقش دارند. در این میان بازنمایی رسانه‌ای جرم، فرایندی است که طی آن برخی ابعاد یک واقعه مجرمانه مورد توجه قرار می‌گیرند و در قالب روایت‌ها، تصاویر و تفسیرهای خاص به مخاطبان ارائه می‌شوند. این فرایند لزوما به معنای انعکاس کامل و بی‌طرفانه واقعیت نیست؛ زیرا محدودیت‌های زمانی و ساختاری رسانه‌ها، ضرورت جلب توجه مخاطب و رقابت برای انتشار سریع اخبار می‌توانند بر شیوه ارائه رویدادهای مجرمانه اثر بگذارند. در نتیجه، برخی جرائم به‌دلیل شدت خشونت، ویژگی‌های مرتکب یا بزه‌دیده و پیامدهای عاطفی و اجتماعی آن‌ها، بیش از سایر جرائم در معرض توجه عمومی قرار می‌گیرند. تکرار و برجسته‌سازی چنین حوادثی ممکن است این تصور را تقویت کند که جامعه با موجی فزاینده از خشونت و ناامنی مواجه است؛ حتی اگر تصویر حاصل از پوشش رسانه‌ای، لزوما با وضعیت واقعی و آماری جرائم انطباق نداشته باشد. از این رو، بررسی آثار اجتماعی جرم مستلزم توجه هم‌زمان به وقوع واقعی آن و چگونگی بازنمایی رسانه‌ای آن است.

یکی از پیامدهای احتمالی این وضعیت، تأثیرگذاری بر نگرش عمومی نسبت به مجازات و شیوه‌های مقابله با جرم است. هنگامی‌که جرائم خشونت‌بار به‌صورت گسترده و با تأکید بر ابعاد هولناک و آسیب‌زای آن‌ها بازتاب می‌یابند، ممکن است احساس ترس، خشم و نگرانی در میان مخاطبان افزایش یابد و مطالبه برخورد قاطع‌تر با مرتکبان تقویت شود. در چنین شرایطی، افکار عمومی ممکن است به‌جای تأکید بر مجموعه‌ای از راهکارهای پیشگیرانه، اصلاحی و حمایتی، بیش از پیش بر تشدید مجازات‌ها، محدودکردن امکان ارفاق قضایی و اتخاذ واکنش‌های سریع و سخت‌گیرانه تمرکز کند. در این چارچوب، مفهوم عوام‌گرایی کیفری اهمیت می‌یابد. در این رویکرد، سیاست‌گذاری کیفری ممکن است به‌جای اتکا به ارزیابی‌های کارشناسی، شواهد تجربی، اصول حقوقی و بررسی آثار بلندمدت مجازات‌ها، تا اندازه‌ای تحت تأثیر فشار افکار عمومی و ضرورت نشان‌دادن واکنشی قاطع به جرائم قرار گیرد. البته توجه به نگرانی‌های جامعه و پاسخ‌گویی به مطالبات امنیتی شهروندان، فی‌نفسه با عوام‌گرایی کیفری یکسان نیست؛ مسأله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که این مطالبات بدون بررسی انتقادی و ارزیابی پیامدهای حقوقی و اجتماعی، مبنای اصلی اتخاذ تصمیم‌های کیفری قرار گیرند. در چنین وضعیتی، احتمال دارد تناسب مجازات، اصل فردی‌کردن کیفر، ضرورت رعایت تضمین‌های دادرسی و توجه به راهکارهای غیرکیفری مقابله با جرم، تحت‌الشعاع فشارهای اجتماعی و سیاسی قرار گیرند.

در ایران نیز عوام‌گرایی کیفری را می‌توان در پیوند با گسترش رسانه‌ها، برجسته‌شدن اخبار جرائم خشونت‌بار و تأثیر فشار افکار عمومی بر انتظارات از نظام عدالت کیفری بررسی کرد. بازتاب گسترده برخی حوادث مجرمانه و شکل‌گیری واکنش‌های اجتماعی نسبت به آن‌ها می‌تواند مطالبه برخورد سریع‌تر و شدیدتر با مرتکبان را افزایش دهد و بر فضای عمومی تصمیم‌گیری در حوزه سیاست جنایی اثر بگذارد. در این میان، نحوه بازنمایی جرم و میزان تأکید بر ابعاد خشونت‌آمیز آن، چگونگی شکل‌گیری احساس ناامنی و نوع انتظارات عمومی از قانون‌گذار و نهادهای قضایی، از جمله ابعادی هستند که در مطالعه این پدیده اهمیت دارند. با این حال، تحلیل این رابطه نباید به این فرض محدود شود که هرگونه مطالبه مجازات شدیدتر، نتیجه مستقیم عملکرد رسانه‌هاست؛ بلکه لازم است تعامل میان عوامل رسانه‌ای، اجتماعی، فرهنگی و نهادی در شکل‌گیری نگرش‌های کیفری مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که بازنمایی رسانه‌ای جرائم خشونت‌بار از چه طریقی منجر به شکل‌گیری عوام‌گرایی کیفری در ایران می‌شود؟ ضرورتی که برای بررسی موضوع حاضر وجود دارد، شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری عوام‌گرایی کیفری، مشکلات و پیامدهای ناشی از آن برای عدالت کیفری است. همچنین طرح مصادیق آن در جامعه ایران

و ضرورت تفکیک مطالبات عمومی مردم از نقش پررنگ آنان در ارائه لوایح، طرح‌ها و قوانینی که ممکن است اصل قانون‌مداری، عدالت و رسیدگی عادلانه را نادیده بگیرند یا به حاشیه ببرند.

۱- کیفرگرایی عوام‌گرا و عناصر آن

سیاست کیفری عوام‌گرا، بر این ایده بنا شده که مردم توان فهم مسائل جامعه و ارائه راهکار مناسب برای آن را دارند و نیاز چندانی به تحلیل‌های کارشناسی نیست (مقدسی و فرجی‌ها، ۱۳۹۲: ۱۳۸). این بدان معناست که برای حل مسائلی نظیر جرائم و نحوه مجازات آنان، توسل به دیدگاه‌ها و افکار عمومی و ارائه پاسخی که موافق افکار عمومی باشد، کفایت می‌کند. با این حال، عوامل متعددی در شکل‌گیری سیاست کیفری عوام‌گرا نقش دارند که به تشریح عوامل مهم پرداخته خواهد شد.

۱-۱- نقش رسانه‌ها در گسترش عوام‌گرایی کیفری

رسانه‌ها به دلیل برخورداری از ظرفیت گسترده در انتشار اطلاعات، برجسته‌سازی رویدادها و جهت‌دهی به نگرش‌های عمومی، از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش عوام‌گرایی کیفری به شمار می‌روند؛ زیرا رسانه‌ها به‌طور قابل‌توجهی جرائم علیه زنان و کودکان یا جرائم مرتبط با مواد مخدر را انتشار می‌دهند (پرت، ۱۳۹۲: ۲۳). تعبیر رسانه به‌عنوان «قوه چهارم» در کنار قوای سه‌گانه، بیانگر جایگاه آن در تأثیرگذاری بر افکار عمومی و شکل‌دهی به برداشت‌های اجتماعی از مسائل مختلف است. در قلمرو عدالت کیفری، این تأثیرگذاری صرفا به انتقال اخبار مربوط به جرائم محدود نمی‌شود، بلکه انتخاب موضوعات خبری، نحوه روایت حوادث، میزان تکرار اخبار و برجسته‌سازی برخی ابعاد جرم، در چگونگی درک عمومی از بزهکاری و ارزیابی عملکرد نهادهای عدالت کیفری نیز نقش دارد. به همین اعتبار، رسانه‌ای‌شدن جرم را می‌توان یکی از زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری عوام‌گرایی کیفری دانست؛ زیرا بازنمایی رسانه‌ای حوادث جنایی می‌تواند برداشت شهروندان از ماهیت جرم، میزان تهدیدهای موجود و ضرورت مداخله کیفری را تحت تأثیر قرار دهد (فرجی‌ها، ۱۳۸۶: ۵۸). در چنین وضعیتی، آنچه در افکار عمومی به‌عنوان مسأله‌ای فوری و مستلزم واکنش شدید شناخته می‌شود، لزوما با اولویت‌های مبتنی بر داده‌های جرم‌شناختی و ارزیابی‌های تخصصی انطباق کامل ندارد.

اهمیت رسانه‌ها در این فرایند، به‌ویژه از آن جهت قابل‌توجه است که احساس امنیت از نیازهای اساسی افراد محسوب می‌شود و اخبار مرتبط با تهدیدهای جانی، مالی و اجتماعی می‌توانند واکنش‌های عاطفی شدیدی برانگیزند. هنگامی‌که پوشش رسانه‌ای بر جنبه‌های هراس‌انگیز جرائم تمرکز می‌کند و حوادث خاص را به‌صورت مکرر در معرض دید مخاطبان قرار می‌دهد، احتمال آن وجود دارد که احساس ناامنی در جامعه افزایش یابد؛ حتی اگر این احساس با تغییرات واقعی در میزان وقوع جرم تناسب نداشته باشد. بنابراین بازنمایی رسانه‌ای نقش مهمی در شکل‌گیری کیفرگرایی عوام‌گرا دارد که بازنمایی کلیشه‌ای از گروه‌های اجتماعی را از طریق بسترهای رسانه‌ای ایجاد می‌کند (قدمی‌عزیزآباد، ۱۴۰۲: ۱۳۶). در این شرایط، رسانه‌ها نه‌تنها در انتقال اطلاعات، بلکه در تعیین میزان اهمیت اجتماعی حوادث جنایی نیز نقش ایفا می‌کنند. برجسته‌شدن برخی جرائم در فضای عمومی می‌تواند زمینه را برای شکل‌گیری مطالباتی فراهم سازد که در آن‌ها افزایش مجازات، تشدید کنترل‌های کیفری و برخورد قاطع‌تر با مرتکبان، به‌عنوان پاسخ‌هایی ضروری به نگرانی‌های جامعه مطرح می‌شوند. بدین‌ترتیب، بازنمایی رسانه‌ای جرم می‌تواند میان احساس ناامنی شهروندان و گرایش به سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه پیوند برقرار کند؛ پیوندی که در تحلیل عوام‌گرایی کیفری باید مورد توجه قرار گیرد (Bartlett, 2009: 15).

از سوی دیگر، ترس عمومی از جرم را نمی‌توان صرفا بازتابی مستقیم از میزان واقعی بزهکاری تلقی کرد. ادراک افراد از احتمال بزه‌دیده‌شدن، علاوه بر تجربه‌های شخصی و شرایط اجتماعی، از نوع اطلاعاتی که دریافت می‌کنند و میزان مواجهه آنان با اخبار جنایی نیز تأثیر می‌پذیرد. در نتیجه، افزایش حساسیت عمومی نسبت به جرم ممکن است بیش از آنکه ناشی از افزایش واقعی نرخ بزهکاری باشد، با تشدید نگرانی درباره احتمال قربانی‌شدن ارتباط داشته باشد .پوشش رسانه‌ای مستمر جرائم، به‌خصوص موارد خشونت‌آمیز، می‌تواند تصور خطر را در

ذهن مخاطبان تقویت کند و حوادثی را که از نظر آماری فراوانی محدودی دارند، به نشانه‌هایی از ناامنی فراگیر تبدیل سازد (Walklate, 1998: 407). پیامد چنین وضعیتی آن است که ارزیابی عمومی از وضعیت امنیت، به‌جای اتکا به مجموعه‌ای متوازن از اطلاعات، ممکن است تحت تأثیر برجستگی عاطفی و تکرار برخی رویدادها شکل بگیرد؛ امری که زمینه اجتماعی مناسبی برای پذیرش مطالبات کیفری سخت‌گیرانه فراهم می‌کند. در همین چارچوب، برخی حوادث جنایی به دلیل ماهیت خشونت‌آمیز، پیامدهای تکان‌دهنده یا بازتاب گسترده رسانه‌ای، فراتر از یک واقعه منفرد معنا پیدا می‌کنند و به نمادی از بی‌نظمی و تهدید اجتماعی تبدیل می‌شوند. این حوادث ممکن است در حافظه جمعی ماندگار شوند و بر نحوه تفسیر رویدادهای بعدی اثر بگذارند؛ به‌گونه‌ای که مخاطبان، وقوع یک جرم خاص را نشانه‌ای از گسترش ناامنی یا ناکارآمدی نظام کنترل جرم تلقی کنند. در این فرایند، رسانه‌ها با تکرار تصاویر و روایت‌های مرتبط با جرائم خشونت‌آمیز، به شکل‌گیری برداشت‌های پایدار از خطر و تقویت نگرانی‌های عمومی کمک می‌کنند. مفهوم «جرائم علامت‌دهنده» نیز ناظر بر همین ویژگی است که برخی جرائم، مستقل از فراوانی واقعی آن‌ها، می‌توانند به‌عنوان نشانه‌ای از وضعیت نظم اجتماعی تفسیر شوند و بر احساس امنیت مردم اثر بگذارند (Innes, 2003: 18). از این منظر، اهمیت یک جرم در افکار عمومی همواره تابع میزان وقوع آن نیست، بلکه نحوه بازنمایی و معنایی که در فضای رسانه‌ای به آن نسبت داده می‌شود نیز در تعیین جایگاه اجتماعی آن نقش دارد.

بر این اساس، تأثیر رسانه‌ها بر عوام‌گرایی کیفری را باید در ارتباط میان بازنمایی جرم، شکل‌گیری احساس ناامنی و تبدیل نگرانی‌های عمومی به مطالبه مداخله کیفری بررسی کرد. هرگاه روایت‌های رسانه‌ای، برخی جرائم را به‌عنوان تهدیدهایی فراگیر و نشانه ضعف نظام عدالت کیفری معرفی کنند، ممکن است توجه عمومی از بررسی علل اجتماعی و ساختاری بزهکاری به سمت درخواست مجازات‌های شدیدتر معطوف شود؛ زیرا در این رویکرد همواره بر نقش رسانه در پیشگیری از جرم توجه نشان داده می‌شود (مؤذن‌زادگان و افشاری، ۱۳۹۲: ۱۳۶). در چنین شرایطی، سیاست‌گذاران نیز ممکن است برای پاسخ‌گویی به فشار افکار عمومی، تصمیم‌هایی اتخاذ کنند که بیش از ارزیابی‌های کارشناسی و شواهد تجربی، تحت تأثیر انتظارات اجتماعی قرار دارند. از این رو، رسانه‌ای‌شدن جرم نه علت یگانه عوام‌گرایی کیفری، بلکه یکی از سازوکارهایی است که می‌تواند به تقویت آن کمک کند و زمینه را برای تقدم واکنش‌های عوام‌پسندانه بر تحلیل‌های تخصصی در سیاست‌گذاری کیفری فراهم سازد (Bartlett, 2009: 15). بنابراین نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری سیاست کیفری عوام‌گرا از دو جهت اهمیت دارد؛ اول اینکه منجر به پیدایش دیدگاه‌هایی از سوی مردم پیرامون تحولات واقعی جامعه می‌شود و دوم اینکه، قانون‌گذاران را به اتخاذ سیاست‌هایی متناسب با افکار عمومی و تدوین لوایح و قوانین سوق می‌دهد که نتایج خاص خود را به دنبال دارد.

۱-۲- بازنمایی رسانه‌ای جرم و گرایش به تشدید مجازات‌ها در سیاست جنایی

یکی از پیامدهای بازنمایی نامتوازن جرائم در رسانه‌ها، ایجاد فاصله میان ادراک عمومی از خطر و وضعیت واقعی بزهکاری است. انتشار مکرر گزارش‌های هیجان‌برانگیز درباره قتل، جرائم خشونت‌آمیز و بزهکاری منتسب به گروه‌هایی مانند جوانان یا مهاجران، به‌ویژه هنگامی‌که با بزرگ‌نمایی ابعاد حوادث همراه باشد، می‌تواند تصور مخاطبان از گستردگی تهدیدهای جنایی را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل رسانه‌ها به‌طور مشخص بر پوشش رویدادهای جنایی متمرکز هستند (صدری‌خانلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۴). در چنین فضایی، توجه عمومی ممکن است به‌جای معطوف‌شدن به فراوانی واقعی جرائم، بر شدت عاطفی حوادث و تصاویر تکان‌دهنده‌ای متمرکز شود که از آن‌ها ارائه می‌شود. در نتیجه، برخی جرائم استثنایی یا کم‌وقوع ممکن است در ذهن مخاطبان نماینده وضعیت عمومی امنیت تلقی شوند و برداشت آنان از احتمال بزه‌دیده‌شدن را تغییر دهند (Innes, 2003: 18). این وضعیت زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که روایت‌های رسانه‌ای، بدون توجه کافی به زمینه‌های اجتماعی و تفاوت‌های موجود میان انواع بزهکاری، به تعمیم نگرانی ناشی از یک حادثه به کل جامعه منجر شوند.

رقابت میان رسانه‌ها برای جلب مخاطب نیز می‌تواند بر نحوه انتخاب و ارائه اخبار جنایی تأثیر بگذارد. حوادث خشونت‌آمیز، روایت‌های عاطفی و مواردی که واکنش‌های شدید عمومی برمی‌انگیزند، ممکن است در مقایسه با گزارش‌های تحلیلی و داده‌های آماری درباره روندهای بزهکاری، توجه بیشتری دریافت کنند. در این حالت، برجستگی خبری یک جرم می‌تواند با اهمیت واقعی آن در سیاست‌گذاری کیفری اشتباه گرفته شود و ارزیابی عمومی از وضعیت جرم، بیش از اندازه تحت تأثیر رویدادهای خاص قرار گیرد. استمرار این الگو ممکن است احساس ناامنی را تقویت کند و مطالبه اقدام فوری از سوی دولت را افزایش دهد؛ به‌ویژه هنگامی‌که اخبار جنایی با انتقاد از عملکرد پلیس، دستگاه قضایی یا ناکافی‌بودن مجازات‌های موجود همراه می‌شوند. در چنین بستری، بازنمایی رسانه‌ای جرم می‌تواند به تقویت انتظارات عمومی برای واکنش‌های قاطع‌تر بینجامد و پذیرش سیاست‌های مبتنی بر تشدید مجازات را افزایش دهد (Bartlett, 2009: 15; Walklate, 1998: 407). بنابراین، نحوه پوشش رسانه‌ای نه‌تنها بر میزان توجه جامعه به جرم، بلکه بر نوع پاسخ‌هایی که از نظر عمومی قابل قبول یا ضروری تلقی می‌شوند نیز اثرگذار است.

در زمینه سیاست جنایی کشورهای غربی، گرایش به بازگشت به کیفر و تأکید بر واکنش‌های تنبیهی را می‌توان در ارتباط با مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، سیاسی و نهادی بررسی کرد. یکی از زمینه‌های مؤثر در این فرایند، برجسته‌شدن مطالبات عمومی برای برقراری نظم و امنیت و افزایش انتقادها از آن چیزی است که ناکارآمدی نظام عدالت کیفری یا ملایمت در برخورد با مجرمان تلقی می‌شود. هنگامی‌که رسانه‌ها جرائم خشونت‌آمیز را با تمرکز بر رنج بزه‌دیدگان، پیامدهای تکان‌دهنده حوادث و ناکامی احتمالی نهادهای مسؤول بازنمایی می‌کنند، ممکن است فضای عمومی برای پذیرش راهکارهای سخت‌گیرانه‌تر مساعدتر شود. در این شرایط، درخواست افزایش مجازات‌ها، محدودکردن ارفاق‌های کیفری و تصویب قوانین شدیدتر می‌تواند در مقام پاسخی به نگرانی‌های اجتماعی مطرح شود، بی‌آنکه لزوما اثربخشی این تدابیر در کاهش جرم به‌طور مستقل ارزیابی شده باشد. بررسی علل و جلوه‌های جنبش‌های بازگشت به کیفر نیز اهمیت این گرایش به واکنش‌های تنبیهی را در تحولات سیاست جنایی کشورهای غربی نشان می‌دهد (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۶۵). از این منظر، رسانه‌ها می‌توانند با برجسته‌کردن برخی ابعاد جرم و نحوه واکنش نهادهای کیفری، در تقویت فضایی نقش داشته باشند که در آن تشدید مجازات به مطالبه‌ای عمومی و معیار ارزیابی قاطعیت دولت تبدیل می‌شود. تأکید بر اجرای سخت‌گیرانه قانون و کنترل بی‌اغماض رفتارهای ناقض نظم، از دیگر جلوه‌های سیاست‌های کیفری است که در فضای عوام‌گرایانه می‌توانند مورد حمایت قرار گیرند. در رویکرد موسوم به «تحمل صفر»، بر واکنش قاطع در برابر رفتارهای ناقض قانون و حفظ نظم عمومی تأکید می‌شود؛ رویکردی که در گفتمان عمومی ممکن است به‌عنوان نشانه‌ای از اراده دولت برای مقابله با جرم مطرح شود (Punch, 2007: 3). هنگامی‌که رسانه‌ها ضعف اجرای قانون یا ناکافی‌بودن واکنش‌های کیفری را برجسته می‌کنند، مطالبه عمومی برای کنترل شدیدتر و مجازات‌های سنگین‌تر ممکن است تقویت شود. با این حال، قاطعیت ظاهری یک سیاست لزوما به معنای اثربخشی آن در پیشگیری از جرم نیست و ارزیابی چنین سیاست‌هایی مستلزم توجه به پیامدهای عملی، تناسب واکنش کیفری و شواهد مربوط به کاهش بزهکاری است. از این رو، هنگامی‌که بازنمایی رسانه‌ای و فشار افکار عمومی بر تصمیم‌گیری‌های کیفری غلبه پیدا کنند، این احتمال وجود دارد که توجه به جلب رضایت عمومی بر ارزیابی علمی و بلندمدت سیاست‌های جنایی تقدم یابد.

۱-۳- برجسته کردن جرائم عامه‌پسند

نقش رسانه‌ها را نباید به ایجاد ترس از جرم یا افزایش حمایت از مجازات‌های شدید محدود کرد. رسانه‌ها همچنین در تعیین موضوعاتی که در دستور کار عمومی و سیاسی قرار می‌گیرند، در برجسته‌کردن عملکرد نهادهای کیفری و در شکل‌گیری معیارهای عمومی برای ارزیابی عدالت نقش دارند. در این میان جرائمی با بزه دیدگی خاص نظیر جرائم جنسی بیش از پیش توسط رسانه‌ها مطرح می‌شوند (قربانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱). با این حال اگر پوشش رسانه‌ای عمدتا بر ناکامی‌های نظام عدالت کیفری و ضرورت برخورد شدیدتر تمرکز کند، ممکن است سایر ابعاد سیاست جنایی، از جمله پیشگیری اجتماعی، بازپروری بزهکاران، حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان و ارزیابی علمی

پیامدهای مجازات، کمتر مورد توجه قرار گیرند. در این صورت، سیاست کیفری در معرض آن قرار می‌گیرد که به‌جای اتخاذ تصمیم بر پایه تحلیل جامع مسأله جرم، به مطالبات فوری و عاطفی افکار عمومی پاسخ دهد. چنین وضعیتی با منطق عوام‌گرایی کیفری سازگار است؛ زیرا در آن، جلب حمایت عمومی و نشان‌دادن قاطعیت در برابر جرم می‌تواند بر ملاحظات تخصصی و ارزیابی‌های مبتنی بر شواهد تقدم پیدا کند (Bartlett, 2009: 15; Punch, 2007: 3). پیامد احتمالی این گرایش، تضعیف جایگاه رویکردهای کارشناسی در فرایند سیاست‌گذاری و افزایش احتمال اتخاذ تدابیری است که بیشتر از نظر نمادین رضایت‌بخش‌اند تا آنکه اثربخشی آن‌ها به‌طور تجربی احراز شده باشد.

در مجموع، رسانه‌ای‌شدن جرم را می‌توان یکی از عوامل مؤثر در تقویت عوام‌گرایی کیفری و تغییر جهت‌گیری سیاست جنایی از رویکردهای مبتنی بر پیشگیری اجتماعی و ارزیابی تخصصی به سوی سیاست‌های متکی بر تشدید مجازات و پاسخ‌گویی به مطالبات فوری عمومی دانست. البته این تحول را نمی‌توان صرفا به عملکرد رسانه‌ها نسبت داد؛ زیرا عوام‌گرایی کیفری در تعامل با عوامل سیاسی، اجتماعی و نهادی شکل می‌گیرد. با این حال، رسانه‌ها از طریق برجسته‌سازی برخی جرائم، تأثیرگذاری بر احساس امنیت، شکل‌دهی به حافظه جمعی و بازتاب مطالبات عمومی، می‌توانند در فراهم‌شدن زمینه اجتماعی این گرایش نقش مهمی داشته باشند. مسأله اساسی زمانی پدیدار می‌شود که میزان توجه رسانه‌ای به یک جرم، جایگزین ارزیابی واقع‌بینانه از فراوانی، علل و پیامدهای آن شود و تصمیم‌گیری کیفری بیش از آنکه بر شواهد معتبر و معیارهای کارشناسی استوار باشد، در پاسخ به فشار افکار عمومی شکل بگیرد. بر این اساس، شناخت دقیق رابطه میان رسانه‌ها و عوام‌گرایی کیفری مستلزم توجه هم‌زمان به شیوه بازنمایی جرم، سازوکارهای شکل‌گیری ترس عمومی و نحوه تبدیل این نگرانی‌ها به تصمیم‌های تقنینی و اجرایی در حوزه عدالت کیفری است (فرجی‌ها، ۱۳۸۶: ۵۸؛ کاشفی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۶۵). چنین نگاهی امکان می‌دهد که نقش رسانه‌ها بدون فروکاستن همه تحولات سیاست جنایی به عملکرد آن‌ها، در چارچوبی تحلیلی و متناسب با پیچیدگی‌های عوام‌گرایی کیفری بررسی شود.

۲- بازنمایی جرائم خشونت‌بار و کیفرگرایی عوام‌گرا در سیاست جنایی ایران

بازنمایی جرائم خشونت‌بار در جامعه منجر به فشار افکار عمومی جهت برقراری نظم و امنیت و مقابله فوری، اثربخش و قاطع علیه مجرمان می‌شود. از طرفی رسانه‌ها منبع اصلی اطلاعات در ارتباط با جرائم هستند (Gardner, 2009: 108). هنگامی‌که بر اثر نفوذ قابل‌توجه رسانه‌ها بر افکار عمومی، چه به‌صورت عامدانه و چه به‌صورت گزینشی، رسانه‌ها اقدام به انتشار اخبار و داده‌های مرتبط با جرائم نمایند و همین پوشش منجر به ایجاد نگرانی، اضطراب و هراس در دل مردم شود (Cohen, 2002: 170). در این صورت، نظام عدالت کیفری درصدد برمی‌آید تا برای مقابله با فشار افکار عمومی از یک طرف و ضرورت قاطعیت و شدت برخورد برای مقابله با مجرمان، سازوکارهایی شدید، فوری و ترس‌آور را پیشه خود سازد که تردیدی برای مقابله با جنایتکاران در جامعه باقی نگذارد. در این صورت، جرم‌انگاری بسیاری از جرائم خشن طیف بیشتری را شامل می‌شود و به تبع آن دستگاه قضایی برای رسیدگی به مجرمان نیازمند وقت، هزینه و سازوکار اداری بیشتری است. این رویه با رویکرد مطالبه‌گرایانه مردم در فضای رسانه‌ای و ظهور رسانه‌های تعاملی نظیر شبکه‌های اجتماعی دوچندان شده است. از این منظر، رسانه‌ها در شکل‌گیری و نوع نگرش مردم نسبت به جرم و عدالت، نقش مؤثری ایفا می‌کنند (کرامتی‌معز و حسن‌آبادی، ۱۴۰۰: ۳۱). هنگامی‌که فیلم دوربین‌های مداربسته از خشونت علیه زنان از سوی مجرمان خشن، زورگیری، سرقت طلا و اموال یک پیرزن یا راه‌بندان در اتوبان‌های اصلی تهران منتشر می‌شود، فشار افکار عمومی برای تدوین قوانین و مقابله فوری و حتی در ملأ عام از سوی مردم با شدت بیشتری دنبال می‌شود. در این صورت قانون‌گذار برای نشان دادن قاطعیت و لزوم ایجاد ترس در میان مجرمان، نظام عدالت کیفری را بر مبنای احساسات و خواسته‌های مردم تدوین می‌کنند که نتایج غیر قابل پیش‌بینی در پی خواهد داشت.

۱-۲- طرح‌های فوری و مقطعی برای مقابله جرائم خشونت‌بار

مشخصه مهم سیاست کیفری عوام‌گرا، تأثیرپذیری از زندگی واقعی مردم و شرایط زندگی اجتماعی است (Pfeiffer et al., 2005: 285). بر مبنای همین رویکرد، در طرحی که تحت عنوان تشدید مجازات اخلال در امنیت روانی جامعه از سوی مجلس شورای اسلامی مطرح شد و به مرحله تصویب نرسید، اقداماتی برای مقابله با جرائم خشونت‌بار مطرح شد. در مقدمه این طرح آمده است: **«یکی از وظایف مهم حکومت، ایجاد امنیت روانی و اجتماعی در جامعه است؛ ولی متأسفانه برابر گزارش‌های واصله از مقامات ذی‌ربط، تعدادی اندک از مجرمان این امنیت را از مردم سلب کرده‌اند. برای اینکه این امنیت در جامعه احساس شود، نیاز به همکاری کلیه مسؤولان دست‌اندرکار است تا با فراهم کردن سازوکارهای مناسب، نسبت به کشف جرم، تعقیب و مجازات مجرمان اقدام کنند و این امر مستلزم فراهم کردن ابزار قانونی مناسب است؛ لذا طرح تشدید مجازات جرائم اخلال در امنیت روانی جامعه با قید یک فوریت تقدیم می‌شود»** (طرح تشدید مجازات اخلال در امنیت روانی جامعه، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه عوام‌گرایی کیفری، رویکردی مبتنی بر جلب نظر عامه مردم و به دور از ملاحظات و دیدگاه‌های نخبگان و کارشناسان می‌باشد، نمایندگان پیشنهاددهنده این طرح با استناد به حوادث جنایی خشونت‌بار کوشش کردند تا از طریق وضع سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه نظیر تشدید مجازات، ممنوعیت اعطای تخفیف و تعلیق مجازات و تشکیل ستاد نظامی و اجرایی جهت رسیدگی به اتهامات مرتکبان جرائم مشمول طرح، به آنچه انتظارات مردم از نظام عدالت کیفری است، پاسخ مناسبی بدهند (مقدسی و فرجی‌ها، ۱۳۹۷: ۱۹۶). همان‌طوری که در ماده اول و دوم این طرح پیشنهادی چنین آمده است:

- **ماده ۲**

جرائم موضوع ماده (۱) عبارت است از:

- راهزنی و سرقت مسلحانه
- تجاوز به عنف
- تشکیل باندهای فساد و فحشا
- تأسیس و دایر کردن وبلاگ و سایت مروج فساد و فحشا و الحاد
- قاچاق انسان به‌منظور استفاده جنسی
- شرارت
- آدم‌ربایی به قصد تجاوز و یا اخاذی

- **ماده ۳**

مجازات مرتکبین جرائم ماده (۲)، اگر مستوجب حد دیگری نباشد، مجازات محارب و مفسد فی‌الارض است (طرح تشدید مجازات جرائم اخلال در امنیت روانی جامعه، ۱۳۸۷).

بازنمایی رسانه‌ای جرائم خشونت‌بار در رسانه و به تبع آن تصمیم‌گیری شتاب‌زده برای تصویب طرح و لوایحی که مبارزه با جرائم خشونت‌بار را تشدید کند و تخفیف در چنین مجازاتی را لغو نماید، نشانگر بی‌توجهی به موازین عدالت و نتایج چنین رویکردهای تند و شتاب‌زده است. همان‌طور که در نقد طرح اخیر، ایراداتی مطرح شده است. در ماده ۶ طرح مذکور آمده است: «مجازات جرائم موضوع این قانون، قابل تخفیف، تبدیل و تعلیق نیست». این در شرایطی است که حسب مقررات فعلی، از جمله ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی، مجازات محاربه نسبت به سارق مسلح اجرا شده و ازآنجایی‌که مجازات محاربه از نوع مجازات‌های حدی است، حکم این ماده مبنی بر ممنوعیت تخفیف، تعلیق و تبدیل مجازات زاید است (امیدی، ۱۳۸۸: ۵۳). اما عوام‌گرایی کیفری و تدوین قوانین متأثر از جو مقطعی و تصویب برخی لوایح و قوانین نظیر طرح تشدید مجازات جرائم اخلال در امنیت روانی جامعه ۱۳۸۷، نشانه عدم توجه به نظریات کارشناسی و اثبات شده است. به‌طور مشخص با قاطعیت نمی‌توان گفت که تشدید مجازات، الزاما به کاهش جرائم منجر می‌شود، حال‌آنکه در این‌گونه طرح‌ها چنین مفروضه‌ای به‌عنوان بنیان و اصول طرح مدنظر ارائه‌دهندگان آن است. برعکس، برخی از این‌گونه طرح‌ها و لوایح در صورت تصویب و اجرا منجر به افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها شده و برچسب‌زنی به طیف وسیعی از رفتارهای جوانان و نوجوانان را در پی خواهد داشت که تحت عنوان بزهکار در جامعه شناخته می‌شوند و در مسیر حرفه‌ای مجرمانه قرار می‌گیرند (مقدسی و فرجی‌ها، ۱۳۹۷: ۱۹۶). بنابراین بازنمایی جرائم رسانه‌ای جرائم خشونت‌بار در جامعه منجر به تحریک احساسات و افکار عمومی شده که در نهایت به ارائه و یا تصویب چنین طرح‌هایی منجر می‌شود که بدون پشتوانه کارشناسی و به دور از ملاحظات عدالت کیفری، هزینه‌های مادی و معنوی

قابل‌توجهی بر دوش جامعه و دستگاه عدالت کیفری تحمیل می‌نمایند.

۲-۲- طرح تشدید مبارزه با جرائم خشونت‌بار

مشخصه اصلی سیاست کیفری عوام‌گرا، واکنش‌های بدون مطالعه و اغلب نسنجیده نسبت به موضوعات کیفری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۹: ۴۳). این رویه درباره ارائه طرح تشدید مبارزه با جرائم خشونت‌بار در ایران نیز صادق است. به‌طوری‌که در «طرح تشدید مبارزه با جرائم خشونت‌بار، ۱۳۹۰» نیز به شکلی فوری و بدون توجه به ملاحظات کارشناسی، سازوکارهایی کیفری برای مقابله با جرائم خشونت‌بار ارائه شده است. در ماده ۱۹ از طرح یاد شده آمده است: «به‌منظور افزایش امنیت عمومی جامعه در مواردی که به علت ارتکاب جرائم خشونت‌بار از قبیل قتل و جرح‌های بدنی عمدی، تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه، اسیدپاشی، آدم‌ربایی، جرائم منجر به ایجاد ناامنی و جرائم علیه کودکان (به تشخیص دادگستری استان) وجدان جامعه جریحه‌دار یا نظم عمومی جامعه مختل شود، به دستور وی دادرسی به‌صورت علنی و در رسانه‌های عمومی منتشر می‌شود» (طرح تشدید مبارزه با جرائم خشونت‌بار، ۱۳۹۰).

حتی در طرح تشدید مبارزه با جرائم خشونت‌بار، ۱۳۹۰، به شکل افراطی، بررسی جرائم خشونت‌بار را به نحوی متفاوت از سایر جرائم مورد رسیدگی قرار می‌دهند. بنابراین در رویکرد عوام‌گرایی کیفری که قانون اخیرالذکر نمونه بارز آن است، حقوق متهم و حتی مجرم نادیده گرفته می‌شود، این در حالی است که قانون‌گذار همواره حقوقی برای این افراد در نظر گرفته است و عدالت کیفری دارای کنشگرانی است که بر اساس سلسله قواعد و مقررات بنا شده است (قپانچی و دانش‌نازی، ۱۳۹۱: ۴). چنان چه در تبصره ۱ از ماده ۱۹ طرح اخیر آمده است: **«مهلت صدور رأی حداکثر 3 روز پس از ختم رسیدگی و مهلت تجدیدنظرخواهی در این جرائم 1 هفته است»**. آنچه از این طرح‌های شتاب‌زده قابل ارائه است، تأثیرپذیری قانون‌گذاران از جرائم خشونت‌بار در جامعه است که با سوار شدن بر احساسات جامعه، قوانینی با شدت بالا، بدون اغماض، بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن برای جامعه و بی‌توجهی به مجازات‌های اجتماعی جایگزین یا پیشگیرانه درصدد مقابله فوری با جرائم خشونت‌بار هستند. بنابراین همسو با سیاست کیفری عوام‌گرا، مقنن به سیاست سخت‌گیرانه جهت تعیین مجازات روی می‌آورد که به نگرانی‌های عمومی درباره افزایش جرائم و ناامنی پاسخ دهد، زیرا بسیاری از مردم بر این باور هستند که تعیین مجازات شدید، باعث کاهش وقوع جرم می‌شود (صدری‌خانلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۵). بنابراین سیاست کیفری عوام‌گرا و از جمله قانون تشدید مبارزه با جرائم خشونت‌بار، اغلب واکنشی، تحت تأثیر جو عمومی و تلاش برای کاهش جرائم از طریق ترس، بالا بردن هزینه ارتکاب جرم و ناامنی برای مجرمان دنبال می‌شود.

نمونه دیگری از عوام‌گرایی کیفری که متأثر از جو و فشار افکار عمومی برای مقابله با جرائم است و حتی ممکن است ناقض اصل «قانون‌مداری» باشد، در بخشنامه شماره ۱۰۱۶/۷۸/۱ مورخه ۱۳۷۸/۲/۹ قابل‌مشاهده است. حسب بخشنامه یادشده، داشتن ابزارهایی نظیر قمه، چاقوی ضامن‌دار در زمره سلاح تلقی شده و قضات مکلف به برخورد کیفری با دارنده و یا استفاده‌کننده از آن هستند. در بخشنامه اخیر، رسیدگی به پرونده‌های اخلال گران در نظام اقتصادی، دادستان‌ها را مکلف می‌نماید که گران‌فروشان را تعقیب نمایند. رویکردی که برخلاف قوانین محسوب شده و در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است (مرادیان، ۱۳۹۶: ۷۸۵). در این بخشنامه نیز کیفرگرایی عوام‌گرا برای تشدید مبارزه با جرائم خشونت‌بار از جمله حوادثی که به‌وسیله سلاح سرد صورت می‌گیرند، قرار گرفته و قوانینی بدون ملاحظه تبعات و پیامدهای آن در نظر گرفته است.

اصول مختلفی در حمایت از حقوق و آزادی افراد و حریم خصوصی آنان حتی در زمانی که متهم هستند، مطرح‌شده و مورد توجه قانون‌گذار واقع شده که اصل قانون‌مداری، اصل برائت و اصل تناسب تأمین از جمله این موارد هستند. این سه اصل بنیان اخلاقی-حقوقی آیین دادرسی کیفری محسوب می‌شوند تا حقوق کیفری را در راستای حاکمیت قانون هدایت نمایند (سمیعی و معظمی، ۱۴۰۱: ۱۱۵). در این صورت اگر عوام‌گرایی کیفری تنها با تحریک یافتن از احساسات مردم،

تلاش برای اقناع افکار عمومی و یا نشان دادن شدت برخورد قانون‌گذار، دنبال شود، عدالت کیفری بیش از آنکه در یک فرایند تدریجی و رسیدگی دقیق شکل بگیرد، توسط عوامل هیجانی به پیش می‌رود. افکار عمومی در سیاست‌های جرم و جنایت تا حدودی نقش دارند و قضات نیز در احکام خود به آن توجه دارند و مقامات دولتی نیز به آن تکیه می‌نمایند. با این حال افکار عمومی همواره منطبق بر واقعیت نیستند (منصوری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۴۶). بر این اساس اگر سیاست جنایی و قوانین بر پایه خواست فوری مردم و یا اقناع آنان صورت گیرد، موازین عادلانه در دادرسی کیفری به حاشیه می‌رود که در طرح‌های مختلف در نظام کیفری ایران نمونه‌های زیادی از آن وجود دارد. به نظر می‌رسد حسب موارد یادشده و متأثر از جو عمومی جامعه، فشار رسانه‌ها و افکار عمومی و شکل‌گیری سیاست کیفری عوام‌گرا به‌واسطه بازنمایی جرائم خشونت‌بار، اصل قانون‌مداری، حقوق متهمین و بزهکاران در چارچوب قوانین و رسیدگی دقیق و عادلانه به درستی اجرا نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

بازنمایی رسانه‌ای جرائم خشونت‌بار، به دلیل نقش آن در برجسته‌سازی حوادث جنایی، شکل‌دهی به ادراک عمومی از ناامنی و جهت‌دهی به مطالبات اجتماعی، می‌تواند از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش کیفرگرایی عوام‌گرا در سیاست جنایی باشد. رسانه‌ها با انتخاب و تکرار اخبار مربوط به جرائم خشونت‌آمیز، نه‌تنها در انتقال اطلاعات، بلکه در تعیین اهمیت اجتماعی جرائم و چگونگی تفسیر آن‌ها از سوی افکار عمومی نقش دارند .در چنین شرایطی، برخی حوادث جنایی ممکن است فراتر از ابعاد واقعی خود به نمادی از ناامنی عمومی و ناکارآمدی نظام عدالت کیفری تبدیل شوند و مطالبه برخوردهای شدیدتر با مرتکبان را تقویت کنند. در نتیجه، میان بازنمایی رسانه‌ای جرم، افزایش نگرانی عمومی و گرایش به اتخاذ سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه، رابطه‌ای قابل بررسی شکل می‌گیرد؛ هرچند این رابطه به معنای آن نیست که رسانه‌ها به‌تنهایی عامل تعیین‌کننده در تصمیم‌های کیفری هستند. بررسی نمونه‌های مطرح‌شده در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که نگرانی‌های عمومی درباره جرائم خشونت‌بار، در مواردی با پیشنهاد اتخاذ تدابیر کیفری شدید و تسریع در فرایندهای رسیدگی همراه شده است.

طرح تشدید مجازات جرائم اخلال در امنیت روانی جامعه در سال ۱۳۸۷، از جمله نمونه‌های قابل‌توجه در این زمینه است. پیش‌بینی مجازات محاربه و افساد فی‌الارض برای مرتکبان جرائم احصاشده، ممنوعیت تخفیف، تبدیل و تعلیق مجازات و ایجاد سازوکارهای ویژه برای پیگیری این جرائم، بیانگر گرایش به استفاده از پاسخ‌های کیفری شدید برای مقابله با تهدیدهای ادراک‌شده علیه امنیت روانی و اجتماعی است. همچنین، طرح تشدید مبارزه با جرائم خشونت‌بار در سال ۱۳۹۰، با پیشنهاد علنی‌کردن و انتشار رسانه‌ای برخی محاکمات، تعیین مهلت‌های کوتاه برای صدور رأی و تجدیدنظرخواهی و محدودکردن برخی ابزارهای مورد استفاده در خشونت، نمونه دیگری از تلاش برای پاسخ‌گویی سریع و قاطع به نگرانی‌های عمومی محسوب می‌شود. این موارد، به‌عنوان طرح‌های پیشنهادی، لزوما بیانگر قوانین تصویب‌شده و لازم‌الاجرا نیستند؛ با این حال، محتوای آن‌ها برای تحلیل جهت‌گیری‌های سیاست جنایی و تأثیر احتمالی فضای عمومی بر پیشنهادهای تقنینی اهمیت دارد که ممکن است اصل دادرسی عادلانه نیز به محاق برود.

بخشنامه شماره ۱۰۱۶/۷۸/۱ مورخ ۱۳۷۸/۲/۹ درباره برخورد با ابزارهایی مانند قمه و چاقوی ضامن‌دار نیز در چارچوب نمونه‌های مورد بررسی، اهمیت توجه به حدود اختیار مقامات قضایی و ضرورت انطباق تصمیم‌های کیفری با مبانی قانونی را آشکار می‌سازد. در این زمینه، مسأله اصلی صرفا شدت واکنش به رفتارهای خشونت‌آمیز نیست، بلکه چگونگی تعیین مبنای قانونی مداخله، رعایت صلاحیت مراجع ذی‌ربط و تناسب واکنش کیفری با رفتار ارتکابی نیز اهمیت دارد. در مجموع، مسأله اساسی در کیفرگرایی عوام‌گرا، توجه به افکار عمومی نیست؛ زیرا نگرانی‌های شهروندان درباره امنیت و مقابله با خشونت، بخشی مشروع از مطالبات اجتماعی است .مسأله زمانی پدیدار می‌شود که این مطالبات، بدون ارزیابی کارشناسی و بررسی آثار حقوقی، اجتماعی و جرم‌شناختی، مبنای اصلی تدوین سیاست‌های کیفری قرار گیرند.

تشدید مجازات به‌خودی‌خود تضمین‌کننده کاهش جرم نیست و ممکن است پیامدهایی همچون افزایش جمعیت کیفری، محدودشدن امکان فردی‌سازی مجازات و تضعیف تناسب میان جرم و کیفر را به دنبال داشته باشد. افزون بر این، رسیدگی شتاب‌زده و انتشار رسانه‌ای محاکمات، در صورت فقدان تضمین‌های کافی، می‌تواند با اصل برائت، حق دفاع و دادرسی عادلانه تعارض پیدا کند. بنابراین، مقابله مؤثر با جرائم خشونت‌بار مستلزم ایجاد تعادل میان تأمین امنیت عمومی و صیانت از حقوق و آزادی‌های بنیادین است. رسانه‌ها می‌توانند با اطلاع‌رسانی دقیق، متوازن و مسؤولانه به ارتقای آگاهی عمومی کمک کنند و قانون‌گذاران نیز باید مطالبات اجتماعی را در کنار یافته‌های علمی، ارزیابی‌های کارشناسی و اصول بنیادین حقوق کیفری مورد توجه قرار دهند. بر این اساس، سیاست جنایی کارآمد نه بر واکنش‌های هیجانی و شدت‌بخشی شتاب‌زده به مجازات‌ها، بلکه بر قانون‌مداری، تناسب کیفر، رعایت حقوق متهمان، پیشگیری از جرم و ارزیابی مستمر نتایج تصمیم‌های تقنینی استوار است. چنین رویکردی می‌تواند ضمن پاسخ‌گویی به نگرانی‌های مشروع جامعه، از تبدیل بازنمایی رسانه‌ای جرائم خشونت‌بار به عاملی برای تضعیف عدالت کیفری جلوگیری کند.

ملاحظات اخلاقی: در فرایند نگارش مقاله، اصول امانت‌داری و ملاحظات اخلاقی نگارش رعایت شده است.

تعارض منافع: در مقاله حاضر هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نویسندگان مقاله به‌صورت مشترک و برابر در فرایند نگارش مشارکت داشتند.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون حمایت مالی انجام شده است.

منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

– امیدی، جلیل (۱۳۸۸). *ارزیابی انتقادی طرح تشدید مجازات جرائم اخلال در امنیت روانی جامعه، در تازه‌های علوم جنایی*، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.

– پرت، جان (۱۳۹۲). *عوام‌گرایی کیفری*. ترجمه هانیه هژبرالساداتی، تهران: نشر میزان.

– سمیعی، محمد امین و معظمی، شهلا (۱۴۰۱). «جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری در حوزه سیاست کیفری در مرحله پیشادادرسی در ایران». *فصلنامه فقه جزای تطبیقی*، ۲(۵): ۱۱۹-۱۰۹.

– صدری‌خانلو، علی؛ شاملو، باقر و نجفی‌توانا، علی (۱۴۰۱). «مبانی عوام‌گرایی کیفری و پیامدهای آن در سیاست جنایی». *فصلنامه علمی کارآگاه*، ۱۶(۵۹): ۱۰۱-۱۲۱.

– فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۶). «بازتاب رسانه‌ای جرم» *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۶(۲۲).

– قپانچی، حسام و دانش نازی، حمیدرضا (۱۳۹۱). «الگوی دوگانه فرایند کیفری "کنترل جرم" و "دادرسی منصفانه"». *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۲(۴): ۱۶۷-۱۸۴.

– قدمی‌عزیزآباد، مصیب (۱۴۰۲). «تأثیر بازنمایی رسانه‌ای جرم بر دادرسی منصفانه با تأکید بر پرونده آتنا اصلانی». *فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی ارتباط‌جمعی*، ۳۵(۲): ۱۳۳-۱۵۵.

– قربانی، ابراهیم؛ بیگی، جمال و پورقهرمانی، بابک (۱۴۰۰). «جایگاه افکار عمومی در محاکم کیفری از دیدگاه دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری». *فصلنامه تعالی حقوق*، ۱۲(۱): ۲۸-۲.

– کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۴). «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی ـ علل و جلوه‌ها». *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی: الهیات و حقوق*، ۳(۱۵-۱۶).

– کرامتی‌معز، هادی و حسن‌آبادی، عبدالرحمن (۱۴۰۱). *سیاست کیفری سخت‌گیرانه در آیین دادرسی کیفری ایران*. تهران: انتشارات مهر کلام.

– مرادیان، مجتبی (۱۳۹۶). *گران‌فروشی، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*. تهران: انتشارات میزان.

– مقدسی، محمدباقر و فرجی‌ها، محمد (۱۳۹۲). «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی». *فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، ۲(۴): ۱۳۷–۱۵۵.

– مقدسی، محمدباقر و فرجی‌ها، محمد (۱۳۹۷). «واکنش کیفری عوام‌گرا در مقابله با جرائم خشونت‌بار در ایران». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، (۲۶): ۱۸۸–۲۰۹.

– منصوری، پیمان؛ عظیمیان، عسل و موسوی‌فرد، سیدمحمدرضا (۱۴۰۳). «تأثیر بازنمایی جرم در شبکه‌های اجتماعی بر افکار عمومی و سیاست جنایی در جرائم خشن». دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۲(۳): ۱۳۴–۱۵۳.

– مؤذن‌زادگان، حسنعلی و افشاری، فاطمه (۱۳۹۲). «نقش رسانه در پیشگیری از جرم در سیاست جنایی ایران». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۶۴(۱): ۱۳۱–۱۵۸.

– نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۹). *عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی*، تهران: انتشارات میزان.

ب. منابع انگلیسی

- Bartlett, T (2009). *The Power of Penal Populism: Public Influences on Penal and Sentencing Policy from 1999 to 2008.* [Master's Thesis, Victoria University of Wellington].

- Cohen, S (2002). *Folk Devils and Moral Panics* (3rd ed.). Routledge.

- Gardner, D (2009). *La Science et Les Politiques de la Peur*. Les Éditions Logiques.

- Innes, M (2003). Signal crimes: Detective work, mass media and constructing collective memory. In Paul Mason (Ed.), *Criminal Visions: Media Representations of Crime and Justice* (pp. 51-72). Willan Publishing.

- Pfeiffer, C; Windzio, M & Kleimann, M (2005). "Media Use and its Impactson Crime Perception, Sentencing Attitudes and Crime Policy". *European Journal of Criminology*, 2(3): 259-285.

- Punch, M (2007). *Zero Tolerance Policing*. Policy Press.

- Walklate, S (1998). "Excavating the Fear of Crime: Fear, Anxiety or Trust? " *Theoretical Criminology*, 2(4): 403-418.